

مجله اقتصادی

شماره‌های ۳ و ۴، خرداد و تیر ۱۳۹۶، صفحات ۲۶-۵

اقتصاد اسلامی رشد و مقایسه آن با اقتصاد سرمایه‌داری: مطالعه موردی منتخبی از کشورهای اسلامی و غیراسلامی با در نظر گرفتن زکات

منصور زرنژاد

استاد دانشگاه چمران

zarram@Gmail.com

عبدالخالق غیبشای

مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماهشهر

ghobeyslavik@yahoo.com

فرشته عبدالمهی

کارشناس ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی

Fereshteh_abdollahi_64@yahoo.com

زکات سنگ‌بنای نظام اسلامی است. قرآن از زکات به‌عنوان یک جزء حیاتی از عدالت اجتماعی و اقتصادی یاد می‌کند. هدف پژوهش حاضر اثرگذاری زکات به‌عنوان یک سیستم مالی به‌منظور ارزیابی رشد اقتصادی است. به همین سبب با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی در دو گروه از کشورهای اسلامی و غیراسلامی طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۰ به بررسی اثر مصرف بر رشد اقتصادی با توجه به نقش زکات پرداخته‌ایم تا مقایسه‌ای میان کشورهای اسلامی و غیراسلامی از حیث اثرگذاری زکات بر اقتصاد صورت گیرد. نتایج پژوهش میزان اثرگذاری مصرف بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی را ۰,۲۲ و در کشورهای غیراسلامی به میزان ۰,۶۵ درصد به ازای افزایش یک‌درصدی در مصرف نشان می‌دهد، بنابراین با تکیه بر این نتیجه می‌توان گفت وضع سیاست مالی، زکات کشورها را به سوی رشد اقتصادی بالاتر سوق خواهد داد.

واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، اقتصاد سنتی، زکات، رشد اقتصادی، مخارج مصرفی.

۱. مقدمه

روش مرسوم کاهش فقر در اکثر کشورها بر فعالیت‌های بخش دولتی تمرکز می‌نماید، اما در کشورهای مسلمان، سیستم زکات و صدقه به عنوان ابزاری برای توزیع ثروت به فقرا وجود دارد. این روش سیستم‌های امنیت اجتماعی را برای ریشه‌کنی فقر به‌ویژه در دوره‌های سخت اقتصادی مانند رکودهای اقتصادی یاری می‌کند. اقتصادی اسلامی یک سیستم کامل و جامع زکات و صدقه را به مسلمانان معرفی می‌کند که در آن زکات سهم واجب یک مسلمان بر روی یک فعالیت مشخص شده و صدقه، کمک‌های داوطلبانه در راه خدا است که برای فقرا و برای اهداف خیرخواهانه وقف می‌شود. اسلام به‌روشنی بیان می‌کند که سهم فقرا و نیازمندان در دارایی ثروتمندان است. وجود نظام زکات و صدقه در اسلام به این خاطر است که اطمینان حاصل شود ثروت به صورت منصفانه در جامعه گردش خواهد کرد و تنها عده معدودی از افراد از این ثروت بهره‌مند نباشند.

یکی از مهم‌ترین اصول اولیه اسلام این است که همه چیز به خدا تعلق دارد و انسان با توجه به اعتماد به نمایندگی از خدا، به مدیریت ثروت خود می‌پردازد. زکات از سال دوم پس از هجرت بر مسلمانان اجباری شد. این عنصر بخش مهمی از اسلام است و در نتیجه مسلمانان باید این تعهد الهی به انجام برسانند، خداوند در آیه ۱۰۳ سوره توبه می‌فرماید:

از اموال آن‌ها صدقه‌ای (به‌عنوان زکات) بگیر، تا به‌وسیله آن، آن‌ها را پاک‌سازی و پرورش دهی!
و (به‌هنگام گرفتن زکات) به آن‌ها دعا کن، که دعای تو، مایه آرامش آن‌هاست، و خداوند شنوا و داناست!

در ابتدا و در ظاهر به نظر می‌رسد که زکات از اموال می‌کاهد، زیرا در زکات لازم است فرد غنی بخشی از اموال خودش را برای رضای خدا در اختیار فقرا قرار بدهد. اما احادیث و روایات نقل شده از اهل بیت (ع) و پیامبر گرامی اسلام (ص) درست برعکس ظن و گمان ما، نه تنها آن را موجب نقصان اموال در این دنیا نمی‌دانند، بلکه آن را موجب حفظ و رشد اموال و رزق در همین دنیا می‌دانند، ضمن اینکه از اجر معنوی و پاداش اخروی برخوردار است. می‌توان به برخی از آیات و روایات که زکات را موجب رشد اموال می‌دانند اشاره کرد:

رسول الله (ص): اِذَا ارَدْتَ اَنْ يُّثْرِيَ اللهُ مَالَكَ فَزَكَّهُ: هرگاه خواستی خداوند دارایی تو را زیاد کند، زکات آن را پرداز.

الامام علی (ع): فرض الله... الزکاه تسبیبا للرزق^۱: خداوند متعال زکات را واجب کرد تا سبب روزی باشد.

الامام الباقر (ع): الزکاه تزيد فی الرزق^۲: پرداخت زکات روزی را زیاد می‌کند.

الامام الکاظم (ع): ان الله عز و جل وضع الزکاه قوتا للفقراء و توفير الاموالکم^۳: خداوند عزوجل زکات را به منظور تأمین قوت تهیدستان و افزایش دارایی‌های شما وضع کرده است.

همان‌گونه از آیات و روایات مشخص است، وضع زکات موجب کاهش دارایی‌ها نشده و به توسعه و رشد اقتصادی کشورها کمک می‌کند. در جوامع غیراسلامی، دولت‌ها به جای اجرای سیاست مالی زکات، از سیاست اخذ مالیات برای پیش برد اهداف خود استفاده می‌کنند. مالیات‌ها به علت اثرگذاری بر بازده سرمایه‌گذاری‌های انسانی و فیزیکی دارند، می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و نهایتاً بر نرخ رشد مؤثر باشند. با این همه، اثر منفی مالیات‌ها بر تولید و سطح رفاه جامعه بر کسی پوشیده نیست. زیرا با وضع مالیات مقدار تعادلی کاهش یافته و اندازه بازار کوچک می‌شود. اما مالیات‌های اسلامی چنین بار منفی را ندارند؛ زیرا برخلاف مالیات‌های معمول که متغیر، غیرمستقیم، با نرخ‌های بالا بوده و بدین سبب آثار منفی بر کارایی بازار دارند، مالیات مستقیم، به خاطر ثابت، مستقیم و با نرخ کم و تناسبی بودن اثر منفی بر رشد ندارد. این می‌تواند همان معنایی باشد که در احادیث با این مضمون که زکات هرگز از اموال نمی‌کاهد، بدان اشاره شده است (توسلی، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر نیز مقایسه‌ای میان دو گروه از کشورهای اسلامی و غیراسلامی از حیث اثرگذاری زکات بر رشد اقتصادی صورت گرفته تا به اثرگذاری و اهمیت زکات بیش از پیش توجه گردد.

۲. تأثیر زکات بر مصرف در مدل کینز

بر اساس پژوهش سوسانتو^۴ مبحث حاضر دربرگیرنده مفروضاتی بدین شرح است:

۱. نهج البلاغه، الحکمه ۲۵۲

۲. البحار

۳. الکافی

۱. همه درآمدها از جمله درآمد مؤسسات، شرکت‌های بازرگانی و سرمایه‌گذاری حقیقی و حقوقی مشمول زکات قرار می‌گیرند.
 ۲. مؤسسات بازرگانی بالاترین سهم از درآمد ملی در پرداخت زکات می‌پردازند.
 ۳. کلیه مسلمانان باید زکات پرداخت کرده و خواهان پرداخت زکات نیز باشند.
 ۴. میزان زکات جمع‌آوری شده ثابت و نسبت مشخصی از درآمد ملی را تشکیل می‌دهد.
 ۵. میل نهایی به مصرف فرد دریافت‌کننده زکات از میل نهایی به مصرف پرداخت‌کننده آن بیشتر است.
 ۶. مبلغ زکات از درآمد مشمول مالیات زکات‌دهنده کسر می‌گردد ولی دریافت‌کننده از مالیات زکات معاف می‌گردد.
- همچنین بر اساس نظریات سوسانتو (۲۰۰۲)، احمد^۱ (۱۹۸۷) و مت والی^۲ (۱۹۹۵) فرض می‌شود در این اقتصاد درآمد کل معادل مصرف کل است:

$$y = C, \quad C = a + by \quad (1)$$

که در این روابط C مصرف، y درآمد و a و b نیز مقادیر ثابتی می‌باشند به طوری که $a > 0$ و $0 < b < 1$.

در اقتصاد اسلامی، مصرف کلان شامل دو گروه مصرف‌کنندگان زکات و مصرف پرداخت‌کنندگان زکات است. بنابراین معادله به صورت رابطه (۲) تغییر خواهد کرد:

$$C = c + ay_a^d + by_b^d \quad (2)$$

در رابطه (۲)، a نشان‌دهنده میل نهایی به مصرف فرد زکات‌دهنده و b نیز میل نهایی به مصرف گیرنده زکات است. همچنین y_a^d و y_b^d به ترتیب نشان‌دهنده درآمد قابل تصرف فرد زکات‌دهنده و فرد گیرنده زکات است.

پرداخت‌کننده زکات مقدار مشخصی از درآمد ملی را به خود اختصاص می‌دهد که می‌توان آن را به صورت my نشان داد. مقدار باقی‌مانده، یعنی $1 - m$ ، به زکات‌گیرنده اختصاص دارد.

1. Ahmad
2. Metwally, M. M.

همچنین ZY به نرخ زکات پرداختی و vy نیز به نرخ صدقه و انفاق اختصاص دارد. در این صورت درآمد قابل مصرف پرداخت‌کننده و دریافت‌کننده زکات به صورت رابطه‌های (۳) و (۴) خواهد بود:

$$y_a^d = my - zy - vy \quad (۳)$$

$$y_b^d = (1 - m)y + zy + vy \quad (۴)$$

با توجه به روابط (۲)، (۳) و (۴) می‌توان تابع مصرف پرداخت‌کنندگان و دریافت‌کنندگان زکات را به صورت زیر نوشت:

$$C = c + a(my - zy - vy) + by_b^d \quad (۵)$$

$$C = c + ay_a^d + b((1 - m)y + zy + vy)$$

تابع مصرف کل در اقتصاد اسلامی را با توجه به روابط بالا می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$C = c + amy - azy - avy + by - bmy + bzy + bvy \quad (۶)$$

بنابراین میل نهایی به مصرف و میل متوسط به مصرف نیز به صورت روابط (۷) و (۸) خواهند بود:

$$APC = \frac{c + amy - azy - avy + by - bmy + bzy + bvy}{y} = \frac{c}{y} (am - az - av + b - bm + bz + bv) \quad (۷)$$

$$MPC = am - az - av + b - bm + bz + bv \quad (۸)$$

لیکن در اقتصاد سنتی که زکات وجود ندارد تابع مصرف به صورت

$$C = a + by \quad (۹)$$

همچنین میل نهایی و متوسط به مصرف نیز به صورت زیر است.

$$APC = \frac{a}{y} + b, MPC = b \quad (۱۰)$$

بنابراین همان‌گونه که مشاهده می‌شود تابع مصرف در اقتصاد اسلامی و اقتصاد سنتی متفاوت است و مصرف بعد از ایجاد زکات در مقایسه با قبل آن افزایش می‌یابد و می‌توان گفت زکات موجب افزایش مصرف می‌شود.

افزایش مصرف را می‌توان با توجه به میل نهایی به مصرف تحلیل نمود. میل نهایی به مصرف فقرا بیشتر از میل نهایی به مصرف ثروتمندان است. فقرا زکات را برای تأمین نیازهای اساسی خود مصرف می‌کنند، ولی ثروتمندان (پرداخت‌کنندگان زکات) میل نهایی به مصرف کمتری دارند و

می‌توانند بخشی از درآمد خود را پس‌انداز و یا سرمایه‌گذاری نمایند. بنابراین با پرداخت زکات به فقرا به علت بالا بودن میل نهایی به مصرف آن‌ها، مصرف در جامعه افزایش می‌یابد.

به اعتقاد صدیقی^۱ (۱۹۸۸) و قحف^۲ (۱۹۹۸)، زکات میل نهایی و میل متوسط به مصرف را در کوتاه‌مدت کاهش داده و این کاهش در اقتصاد اسلامی در مقایسه با اقتصاد سنتی کمتر است. اما در بلندمدت، به علت بهبود استانداردهای زندگی دریافت‌کنندگان زکات، نرخ عمومی مصرف در اقتصاد اسلامی افزایش خواهد یافت.

با توجه به تغییرات مصرف بعد از اعمال سیاست مالی زکات، انتظار بر این است که رشد اقتصادی نیز در اقتصاد اسلامی متمایز از اقتصاد سنتی باشد. بنابراین در مبحث پیش رو به بررسی اثر زکات از طریق مصرف بر رشد اقتصادی خواهیم پرداخت.

۳. تأثیر زکات بر رشد اقتصادی در اقتصاد اسلامی و سرمایه‌داری

در اقتصاد باز تقاضای کل به صورت

$$y = C + I + G + EX - IM \quad (11)$$

که در آن C مصرف حقیقی، I سرمایه‌گذاری حقیقی، G مخارج دولت حقیقی، EX صادرات حقیقی و IM واردات حقیقی می‌باشد.

تابع مصرف نیز به صورت رابطه (۱۲) تعریف می‌شود:

$$C = a + by_d \quad (12)$$

که در آن a مصرف مستقل، b میل نهایی به مصرف و y_d درآمد قابل تصرف است که تعریف آن به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$y_d = Y - NX \quad (13)$$

و تعریف خالص مالیات‌ها نیز چنین است:

$$NX = T - TR \quad (14)$$

خالص مالیات‌ها عبارت است از تفاوت میان مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی. در صورتی که مالیات‌ها تابعی خطی از درآمد ملی باشند:

1. Siddiqi, M. N
2. Kahf, Monzer

$$T = \bar{T} + ty$$

که در رابطه (۱۴)، \bar{T} مالیات مقطوع و t میل نهایی به مالیات است.

اگر سرمایه‌گذاری را به صورت تابعی خطی از درآمد ملی در نظر می‌گیریم:

$$I = \bar{I} + ey$$

که در آن \bar{I} سرمایه‌گذاری مستقل و ey را سرمایه‌گذاری القایی می‌نامند.

همچنین اگر تمام عوامل مؤثر بر صادرات به صورت برون‌زا فرض شوند می‌توان گفت که

صادرات نیز مقدار ثابت و برون‌زایی خواهد بود:

$$EX = \overline{EX}$$

در مورد واردات نیز اگر قیمت کالاهای داخلی، قیمت کالاهای خارجی و نرخ ارز را برون‌زا

در نظر بگیریم می‌توان واردات را به صورت زیر نشان داد:

$$IM = \overline{IM} - my \quad (15)$$

حال برای به دست آوردن مقدار درآمد ملی کافی است به جای C, I, G, EX, IM ، توابع مربوطه

را قرار دهیم:

$$\begin{aligned} y &= a + b(y - NX) + \bar{I} + ey + G + \overline{EX} - \overline{IM} - my \\ y &= a + b(y - (\bar{T} + ty - TR)) + \bar{I} + ey + G + \overline{EX} - \overline{IM} - my \\ y &= a + by - b\bar{T} - bty + bTR + \bar{I} + ey + G + \overline{EX} - \overline{IM} - my \\ y - by + bty - ey + my &= a - b\bar{T} + bTR + \bar{I} + G + \overline{EX} - \overline{IM} \\ y(1 - b + bt - e + m) &= a - b\bar{T} + bTR + \bar{I} + G + \overline{EX} - \overline{IM} \\ y &= \frac{1}{(1 - b + bt - e + m)} (a - b\bar{T} + bTR + \bar{I} + G + \overline{EX} - \overline{IM}) \end{aligned}$$

ضریب فزاینده اقتصاد سنتی را با توجه به معادله درآمد ملی می‌توان استخراج کرد:

$$\frac{\partial y}{\partial a} = \frac{1}{(1 - b + bt - e + m)} \quad (16)$$

ضریب فزاینده مربوط به اقتصاد اسلامی نیز با تکرار برخی از مفروضات پیش گفته و اضافه

شدن این فرضیه که مصرف کلان شامل مصرف دریافت‌کنندگان زکات و مصرف

پرداخت‌کنندگان زکات است، به اثبات می‌رسد:

$$\begin{aligned} y &= C + I + G + EX - IM \\ C_1 &= a + by_d \\ C_2 &= Ky_d \\ y_d &= Y - NX \\ NX &= T - TR \\ T &= \bar{T} + ty \end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
 I &= \bar{I} + ey \\
 EX &= \overline{EX} \\
 IM &= \overline{IM} - my \\
 y &= a + b(y - NX) + ky + \bar{I} + ey + G + \overline{EX} - \overline{IM} - my \\
 y &= a + b(y - (\bar{T} + ty - TR)) + ky + \bar{I} + ey + G + \overline{EX} - \overline{IM} - my \\
 y &= a + by - b\bar{T} - bty + bTR + ky + \bar{I} + ey + G + \overline{EX} - \overline{IM} - my \\
 y - by + bty - ky - ey + my &= a - b\bar{T} + bTR + \bar{I} + G + \overline{EX} - \overline{IM} \\
 y(1 - b + bt - e - k + m) &= a - b\bar{T} + bTR + \bar{I} + G + \overline{EX} - \overline{IM} \\
 y &= \frac{1}{(1 - b + bt - e - k + m)} (a - b\bar{T} + bTR + \bar{I} + G + \overline{EX} - \overline{IM}) \\
 \frac{\partial y}{\partial a} &= \frac{1}{(1 - b + bt - e - k + m)} \tag{۱۷}
 \end{aligned}$$

با اضافه شدن زکات به تابع درآمد ملی در اقتصاد اسلامی، ضریب فزاینده مصرف به دلیل وجود میل نهایی به زکات در مخارج کسر بیشتر از اقتصاد سرمایه‌داری است. بنابراین انتظار بر این است رشد اقتصادی در اقتصاد اسلامی با وجود سیاست مالی زکات بیشتر از اقتصاد سنتی باشد. سرا^۱ در سال ۲۰۱۲ با بررسی اثر زکات بر رشد اقتصادی بیان می‌کند که زکات به‌عنوان روشی مناسب برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد و زمانی که افراد یک جامعه زکات پرداخت می‌کنند، می‌توانند رشد اقتصادی بالاتری را تجربه کنند. همچنین تعهدات مسلمانان به پرداخت زکات، موجب دستیابی به توسعه پایدار، توزیع مجدد ثروت میان مسلمانان و همچنین پل زدن بین شکاف غنی و فقیر در جامعه است.

۴. پیشینه پژوهش

۴-۱. مطالعات داخلی

ثامنی کیوانی (۱۳۷۸)، به بررسی میزان درآمدهای بالقوه حاصل از پرداخت زکات پرداخته است. هدفی که او در تحقیق خود دنبال کرده، این مسئله است که زکات تا چه حد، در اداره امور حکومتی، به دولت کمک می‌کند. وی به محاسبه درآمدهای بالقوه حاصل از زکات (با فرض انحصار در موارد نه گانه) پرداخته، و به این نتیجه رسیده است که زکات تنها ۱٫۶ درصد از مخارج دولت را تأمین می‌کند و لذا نمی‌تواند منبع مناسبی برای درآمدهای دولت باشد. از ویژگی‌های مهم تحقیق وی، روشی است که در محاسبه ظرفیت بالقوه زکات به کار گرفته است.

1. Adel Sarea

کیا الحسینی (۱۳۸۰)، پس از بررسی فقهی و نظری خمس در اسلام، به محاسبه و برآورد خمس حاصل از ارباح مکاسب پرداخته است. او در تحقیق خود، از دو روش خرد و کلان استفاده کرده و نشان داده است که روش های خرد و کلان نتایج مشابهی داشته‌اند. این تحقیق برای یک دوره ۱۰ ساله (از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵) انجام شده است.

زمانی فر (۱۳۸۲)، به بررسی توانایی زکات بالقوه در رفع فقر استان های تهران، سمنان، اصفهان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، بوشهر و ایلام پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مقایسه درآمدهای حاصل از زکات بالقوه دلالت بر آن دارد که این درآمد به تنهایی برای رفع فقر استان های مورد نظر کفایت نمی کند. از این رو، استفاده از درآمدهای دیگری از جمله مالیات ضروری است.

عسکری (۱۳۸۴)، به مقایسه تحلیلی آثار اقتصادی زکات و مالی تورمی پرداخته است. او همچنین به بررسی انحصار زکات در موارد نه گانه پرداخته، و به این نتیجه رسیده که منابع زکات محدود به موارد نه گانه نیست و همه اموال را شامل می شود، مگر آنکه دلیل خاصی برای تخصیص داشته باشیم، نظیر محصولات فاسدشدنی. اما حاکم حق می تواند در زمان های مختلف، گروهی از اموال را مورد عفو قرار دهد؛ چرا که زکات از آن اوست. ویژگی مهم تحقیق او، این است که مسئله زکات را به طور مبسوط و مستدل از نگاه فقهای شیعه و سنی مورد بحث و بررسی قرار داده و در هر قسمت، نتیجه گیری کرده است.

گیلک حکیم آبادی (۱۳۸۵)، با مطالعه موردی استان گلستان، به بررسی تأثیر زکات (گندم و جو) در کاهش فقر پرداخته است. نتیجه تحقیق او نشان می دهد اگر زکات با درایت و مدیریت گردآوری و هزینه شود، قادر به تأمین مالی گروه بزرگی از فقیران است. ویژگی عمده این تحقیق در طرح مباحث اساسی فقهی اقتصادی زکات، به ویژه در برآورد صحیح و همچنین مصارف آن است.

کیا الحسینی (۱۳۸۷)، می کوشد تا ضمن طرح بحث های فقهی مربوط به زکات فطره و با توجه به اطلاعات موجود، مبلغ ریالی آن در سطح خانوارهای شهری و روستایی در هر دهک درآمدی (هزینه ای) و همچنین در سطح ملی را برای دوره زمانی ۸۵-۱۳۷۰ برآورد کند. نتیجه تحقیق او این است که زکات فطره به تنهایی برای رفع فقر کفایت نمی کند و لازم است که برای رفع فقر از منابع

دیگری استفاده شود. رسیدن به چنین نتیجه‌ای بسیار طبیعی است، چراکه در احادیث اهل بیت (ع)، آنچه برای رفع فقر کفایت می‌کند، زکات است. زکات فطره یکی از اقسام زکات است و لذا شامل خمس و زکات موارد نه‌گانه نیز می‌شود. کیاالحسینی روش مناسبی در پیش می‌گیرد که البته با پیچیدگی‌هایی همراه است. سعی ما بر این بوده است که مقاله خود از روشی ساده‌تر استفاده نماییم. تاری و جعفری (۱۳۹۳)، در پژوهش خود به بررسی تأثیر خمس بر مصرف و گذاری در راستای الگوی توزیع کالدور می‌پردازند. در مدل پیشنهادی فرض بر آن است که اقتصاد به‌وسیله بخش خصوصی مدیریت شود. جامعه مورد نظر ما جامعه‌ای اسلامی بوده و در این جامعه حکومت اسلامی برقرار شده است، به‌نحوی که در این اقتصاد نرخ بهره منسوخ شده و تمام فعالیت‌های اقتصادی بر اساس عقود اسلامی انجام می‌شود. از سوی دیگر، بخش عمده مصرف‌کنندگان در جامعه اسلامی تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی به وظیفه دینی خود عمل و خمس پرداخت کرده و همچنین مالکیت خمس و تولید جمع‌آوری و توزیع خمس با حکومت اسلامی است. نتایج حاصل از مدل نشان می‌دهد پرداخت خمس، توابع و معادلات کلی رشد یکنواخت و پس‌انداز را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. وجود خمس و پایبندی به دستورات اسلامی به هیچ وجه مانع دستیابی به وضعیت رشد یکنواخت نمی‌شود، بلکه نشان می‌دهد، نیل به رشد یکنواخت در اقتصاد اسلامی مسئله‌ای امکان‌پذیر است.

عسگری و بادپا (۱۳۹۳)، به بررسی اثر توزیع زکات روی مصرف عمومی در ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش از داده‌های ترکیبی در یک کشور شامل ۳۰ استان طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۰ استفاده شده و تحلیل داده‌ها نیز بر اساس روش اثرات ثابت صورت گرفته است. نتیجه نشان می‌دهد توزیع زکات اثر مثبتی بر مصرف عمومی دارد، لیکن اثر آن کم و کوتاه‌مدت است.

۴-۲. مطالعات خارجی

شیرازی^۱ (۱۹۹۴)، اثر انفاق را در کاهش فقر شهری و همچنین در مناطق روستایی پاکستان مورد مطالعه قرار داد. وی متوجه شد که انفاق موجب کاهش فقر به میزان ۳٫۷۸ درصد در نقاط شهری و ۲٫۰۶ درصد در مناطق روستایی شده است. همچنین در سراسر پاکستان سطح فقر به میزان ۲٫۱۶

1. Shirazi

درصد کاهش یافته است. از همه مهم‌تر تأثیر انفاق است که می‌تواند شکاف فقر و شدت فقر را کاهش دهد بود. شکاف فقر به میزان ۴,۱۶ درصد و شدت شکاف فقر به ۸,۶۲ درصد در سراسر پاکستان کاهش یافته است. بنابراین، کاهش فقر موجب افزایش مصرف عمومی، به ویژه در دریافت کنندگان فقیر از زکات و انفاق داشته است.

فریدی^۱ (۱۹۹۷)، در بررسی خود پی می‌برد که زکات دارای دو اثر متقابل بر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است. زکات سالانه بر پس‌انداز بالاتر از حد نصاب موجب تقویت میل نهایی به مصرف می‌شود و فرد پس‌اندازکننده ممکن است از مخارج بیشتر رضایتمندی بیشتری به دست آورد. از سویی، ممکن است فرد برای نگه‌داری از ثروت خود در مقابل نابودی تدریجی تمایل یابد تا سرمایه‌گذاری تقویت گردد.

زبیر^۲ (۲۰۰۲)، به ارائه الگوی کلان با فرض زکات پرداخته است و نشان می‌دهد زکات و انفاق در نظام اسلامی باعث می‌شود صاحبان دارایی‌های راکد، آن‌ها را در کارهای مولد به کار گیرند که در نهایت، موجبات رشد درآمد و ثروت را در جامعه فراهم می‌آورند.

ابراهیم^۳ (۲۰۰۷)، به بررسی اثر زکات بر توزیع مجدد درآمد در مالزی طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۰ پرداخته است. نتایج وی حاکی از کاهش فقر بعد از وضع زکات از ۶۱ درصد به ۵۲ درصد است. همچنین وی بیان می‌کند کاهش فقر و نابرابری درآمد منعکس‌کننده افزایش درآمد گیرندگان زکات و همچنین افزایش مصرف عمومی است.

یوسف^۴ (۲۰۰۹)، زکات را به‌عنوان یک ابزار مالی قوی در اقتصاد اسلامی با استفاده از یک مدل کینزی معرفی می‌کند. معادلات مصرف را هم برای دریافت‌کنندگان و هم پرداخت‌کنندگان زکات بازنویسی می‌کند و نشان می‌دهد، بین مخارج زکات و تولید واقعی رابطه وجود دارد. وی با انجام مطالعه تجربی برای کشور مالزی فرضیه خود را که مخارج زکات یک ابزار مالی قوی برای ایجاد رشد اقتصادی است، تأیید و پیشنهاد کرد که کشورهای اسلامی از زکات به‌عنوان یک

1. Faridi, F

2. Zubair, H.

3. Ibrahim

4. Qardhawi, yusuf

سیاست برای رشد و توسعه خود استفاده کنند. او معتقد است، تا زمانی که جمع‌آوری زکات و هزینه‌های آن نامرتب باشد، ما نمی‌توانیم از زکات به‌عنوان یک ابزار مالی مؤثر استفاده کنیم. اعظم و همکاران^۱ (۲۰۱۴)، در مطالعه خود به بررسی اثر زکات بر توسعه اقتصادی در پاکستان پرداخته است. آن‌ها زکات را به‌عنوان یک پرداخت انتقالی، ابزاری مهم برای رسیدن به رفاه اجتماعی در یک جامعه اسلامی می‌دانند. تجزیه و تحلیل نتایج نشان می‌دهد که زکات دارای تأثیر مثبت بر توسعه اقتصادی در پاکستان است و به‌طور خاص، شواهد نشان می‌دهد که زکات به‌طور قابل توجهی رفاه خانواده‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین شواهد اقتصاد کلان نیز قابل تأمل است که نشان می‌دهد زکات به‌طور قابل توجهی رشد اقتصادی را در پاکستان افزایش می‌دهد. دالی و فریخا^۲ (۲۰۱۵)، در پژوهش خود به ارائه خلاصه‌ای مربوط به امور مالی و بانک‌های اسلامی و به دنبال آن ارائه برخی از کلیات در مورد زکات مانند ویژگی‌های اصلی آنان پرداخته‌اند. پژوهش آن‌ها توصیفی بوده که به بررسی مزایای اجتماعی و اقتصادی زکات و نقش آن در چرخه اقتصادی می‌پردازد.

۵. جامعه آماری و روش پژوهش

در پژوهش حاضر اثر مصرف بر رشد اقتصادی در دو گروه کشورهای اسلامی و غیراسلامی طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۰ با به‌کارگیری روش داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری مورد بررسی شامل دو گروه کشورهای مسلمان و غیرمسلمان است. کشورهای اسلامی مورد بررسی شامل بنگلادش، گابن، گینه، گامبیا، ایران، امارات، قزاقستان، قرقیزستان، لبنان، مالی، مالزی، نیجر، پاکستان، سنگال، چاد، تاجیکستان، ترکیه، ازبکستان و کشورهای غیراسلامی نیز شامل استرالیا، اتریش، کانادا، آلمان، دانمارک، اسپانیا، فنلاند، فرانسه، آمریکا، ایسلند، ایتالیا، نروژ، نیوزلند، هلند، پرتغال، سوئد، سوئیس و انگلستان است.

1. Muhammad Azam, Nasir Iqbal and Muhammad Tayyab

2. Saïda Daly, and Mohamed Frikha,

۵-۱. معرفی مدل

مدل رشد مورد استفاده در این مقاله بر مبنای پژوهش‌های انجام گرفته و برگرفته از مطالعه خلیفه آل یوسف^۱ (۱۹۹۷) است با این تفاوت مخارج لحاظ شده در مدل مورد بررسی مخارج مصرفی خانوار است و با الهام از مقاله سوسانتو (۲۰۰۲) و فرضیات آن می‌توان گفت که زکات از کانال افزایش مصرف، رشد اقتصادی را ارتقا می‌دهد. شکل اولیه مدل به صورت ذیل تصریح شده است.

$$Y = f(HU, K, G, X, TT) \quad (18)$$

که در آن Y تولید ناخالص داخلی، HU سرمایه انسانی، K سرمایه، G مخارج دولت، X صادرات و TT نیز رابطه مبادله است. بنابراین توجه به مبانی نظری پیش گفته و فرضیات سوسانتو (۲۰۰۲)، مصرف بر رشد اقتصادی تأثیر گذار بوده بنابراین می‌توان رابطه (۱۸) را به صورت زیر نوشت:

$$Y = f(HU, K, C, X, TT) \quad (19)$$

در رابطه فوق Y تولید ناخالص داخلی، HU نرخ ثابت نام در مقطع متوسطه به عنوان نماینده شاخص سرمایه انسانی، K تشکیل سرمایه ناخالص، C مخارج مصرفی، X صادرات و TT نیز رابطه مبادله است.

اگر تابع مورد نظر را به صورت یک تابع کاب داگلاس در نظر بگیریم:

$$Y_{it} = \alpha_{it} HU_{it}^{\beta} K_{it}^{\gamma} C_{it}^{\delta} X_{it}^{\epsilon} TT_{it}^{\mu} U_{it} \quad (20)$$

با گرفتن لگاریتم از طرفین رابطه (۲۰) خواهیم داشت:

$$\ln Y_{it} = \ln \alpha_{it} + \beta \ln HU_{it} + \gamma \ln K_{it} + \delta \ln C_{it} + \epsilon \ln X_{it} + \mu \ln TT_{it} + U_{it} \quad (21)$$

در رابطه (۲۱)، U_{it} نشان دهنده جمله اخلاص است که لگاریتم آن دارای توزیع نرمال است. همچنین کلیه آمارهای مورد استفاده از پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی استخراج شده‌اند.

۵-۲. برآورد مدل

تخمین به روش پنل دیتا و با استفاده از نرم‌افزار Eviews صورت گرفته است. برای یافتن بهترین روش تخمین، مراحل زیر انجام شده است:

1. Khalifa, Al-Yousif, Yousif

۱. آزمون مانایی (نبود ریشه واحد) (unit root test)؛
۲. آزمون امکان تخمین به روش پانل یا پول (poolability & panel)؛
۳. آزمون وجود اثر ثابت یا اثر تصادفی (fixed effect & random effect)؛
۴. آزمون وجود اثر مقطع یا زمان (cross section & period).

شرط لازم برای تخمین صحیح متغیر، مانا بودن متغیرها است. بدین معنا که متغیر نباید دارای ریشه واحد باشد. به این منظور برای همه متغیرهای پژوهش آزمون ریشه واحد بر اساس معیار دیکی فولر تعمیم یافته (ADF)، لین و لوین (LL) صورت گرفت و نبود ریشه واحد برای متغیرهای تولید ناخالص داخلی، تشکیل سرمایه ناخالص، رابطه مبادله و مصرف تأیید شد، ولی متغیرهای سرمایه انسانی و صادرات دارای ریشه واحد بوده و در تفاضل مرتبه اول در کشورهای اسلامی مانا هستند. همچنین در کشورهای غیراسلامی، متغیرهای صادرات، مصرف و تولید ناخالص داخلی دارای ریشه واحد و تشکیل سرمایه ناخالص، سرمایه انسانی و رابطه مبادله در سطح مانا هستند.

جدول ۱. نتایج آزمون پایایی

متغیرها	کشورهای اسلامی				کشورهای غیر اسلامی			
	آزمون لین، لوین و چو		آزمون فیشر (ADF)		آزمون لین، لوین و چو		آزمون فیشر (ADF)	
	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال
LOG(GDP)	-۵.۲۳۹۷۱	۰.۰۰۰۰	۶۴.۵۲۷۵	۰.۰۰۲۴	-۲.۷۳۶۸۴	۰.۰۰۳۱	۲۲.۲۸۳۳	۰.۹۶۴۳
LOG(K)	-۸.۱۵۳۱۴	۰.۰۰۰۰	۷۸.۳۶۱۴	۰.۰۰۰۱	-۸.۷۳۴۳۸	۰.۰۰۰۰	۸۷.۹۳۳۸	۰.۰۰۰۰
LOG(HU)	۳.۲۴۲۰۴	۰.۹۹۹۴	۳۴.۹۴۷۱	۰.۵۱۸۵	-۳.۷۲۲۸۳	۰.۰۰۰۱	۴۸.۸۵۸۶	۰.۰۷۴۷
LOG(TT)	-۹.۷۶۴۱۷	۰.۰۰۰۰	۷۴.۷۶۱۲	۰.۰۰۰۲	-۳۵.۰۳۸۰	۰.۰۰۰۰	۷۰.۶۳۰۱	۰.۰۰۰۵
LOG(C)	۳.۸۸۴۵۳	۰.۹۹۹۹	۶۴.۴۳۷۳	۰.۰۰۲۵	-۲.۷۱۵۵۸	۰.۰۰۳۳	۴۶.۱۳۴۴	۰.۱۲۰۱
LOG(X)	-۲.۰۶۴۹۴	۰.۰۱۹۵	۳۰.۲۰۶۶	۰.۷۴۰۰	-۴.۳۱۲۶۹	۰.۰۰۰۰	۴۲.۲۷۶۲	۰.۲۱۸۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۳-۵. آزمون هم‌انباشتگی

آزمون هم‌انباشتگی پانلی برای اولین بار توسط پدرونی^۱ در سال ۱۹۹۵ به کار برده شد. در این آزمون، فرضیه صفر دلالت بر عدم وجود هم‌انباشتگی میان متغیرهای موجود در مدل دارد. در این

1. Pedroni

تحقیق برای بررسی آزمون هم‌انباشتگی میان متغیرها از آزمون هم‌انباشتگی پدرونی استفاده شده است. این روش، رگرسیون هم‌انباشتگی جداگانه‌ای برای هر کشور تخمین می‌زند و بعد از آن برای آزمون پایایی جملات اخلاص از هفت آماره استفاده می‌کند. چهار مورد از این آزمون‌ها ضرایب اتورگرسیون را در بین کشورهای مختلف در طول آزمون ریشه واحد ترکیب می‌کنند. بنابراین، پارامترهای اتورگرسیون مرتبه اول را محدود می‌کنند تا برای همه کشورها یکسان باشد. پدرونی این آماره‌ها را به‌عنوان آماره‌های هم‌انباشتگی پانل معرفی می‌کند. سه آماره دیگر بر اساس میانگین ضرایب اتورگرسیون هستند که برای هر کشور به‌طور جداگانه تخمین زده می‌شود. بنابراین، این آماره‌ها به ضرایب اتورگرسیون اجازه می‌دهد که از کشوری به کشور دیگر تغییر کند که به‌عنوان آماره‌های هم‌انباشتگی گروهی - میانگین پانل شناخته می‌شوند. اولین آماره هم‌انباشتگی پانل یک آزمون نسبت واریانس غیرپارامتریک است. دومین و سومین نوع آماره پانل نیز به ترتیب آماره‌های rho و t و فیلپس پرون است. چهارمین آماره ADF پانل است که مشابه آزمون ریشه واحد پانل لوین و همکاران است. به طریق مشابه، دو مورد اول از آماره‌های هم‌انباشتگی گروهی - میانگین پانل به ترتیب آماره‌های rho و t و فیلپس پرون است. سومین آماره نیز ADF گروهی - میانگین است که مشابه با آزمون ریشه واحد پانل ایم و همکاران است. نتایج آزمون هم‌انباشتگی پدرونی در جدول (۲) نشان می‌دهد که برطبق اکثر آماره موجود، هم‌انباشتگی بین متغیرهای الگو در هر دو گروه کشور وجود دارد و عدم وجود رگرسیون کاذب در مدل تأیید می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون هم‌انباشتگی

کشورهای اسلامی			کشورهای غیراسلامی	
گزاره درون بعدی	آماره	احتمال	آماره	احتمال
آماره پانل	۱۲,۰۵۲۸۱	۰,۰۰۰۰	-۲,۶۳۶۹۴	۰,۹۹۵۸
آماره پانل p فیلپس - پرون	۴,۳۶۴۶۴۹	۱,۰۰۰۰	۱,۳۶۱۴۲	۰,۹۱۳۱
آماره پانل t فیلپس - پرون	-۶,۸۶۶۰۴	۰,۰۰۰۰	-۳,۳۴۴۳۰	۰,۰۰۰۴
آماره پانل دیکی فولر تعمیم یافته	-۱,۰۹۰۸۷	۰,۱۳۷۷	-۱,۳۲۴۷۵	۰,۰۹۲۶
گزاره میان بعدی				
آماره پانل p فیلپس - پرون گروهی	۶,۷۲۰۲۵۹	۱,۰۰۰۰	۳,۹۸۹۰۹۴	۱,۰۰۰۰
آماره پانل t فیلپس - پرون گروهی	-۹,۷۲۶۶۸	۰,۰۰۰۰	-۱,۴۵۰۳۴	۰,۰۷۳۵
آماره t دیکی فولر تعمیم یافته گروهی	-۱,۴۷۰۱۹	۰,۰۷۰۸	-۰,۵۰۲۲۷	۰,۳۰۷۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۴-۵. آزمون چاو و هاسمن

جدول (۳) نتایج آزمون چاو و هاسمن را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج آزمون چاو سه فرضیه مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱- اثرات ثابت مقطعی صفر است؛ ۲- اثرات ثابت زمانی صفر است و ۳- اثرات ثابت زمانی و مقطعی صفر است (سوری، ۱۳۹۴).

درواقع فرضیه صفر بیانگر عدم وجود اثرات ثابت است که طبق آن عرض از مبدأ ثابت است که بیانگر یک رگرسیون مقید است. مقدار F و χ^2 برای آزمون اثرات ثابت مقطعی، به ترتیب در کشورهای اسلامی برابر است با ۴۵۶,۸۸ و ۹ و ۹۵۴۶ و در کشورهای غیراسلامی برابر با ۱۶۵,۹۷ و ۶۹۴,۸۱ است که در ناحیه بحرانی قرار دارند (مقادیر احتمال کوچک تر از ۰,۰۵ است). لذا فرضیه صفر در هر دو گروه کشور رد می‌شود و بدان معنا است که اثرات ثابت مقطعی وجود دارد. بدین ترتیب کشورها از لحاظ رشد اقتصادی با یکدیگر تفاوت معناداری دارند.

همچنین مقادیر F و χ^2 برای آزمون اثرات ثابت زمانی نیز نشان می‌دهد که فرضیه صفر رد و لذا اثرات ثابت زمانی معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در هر یک از کشورها در طول زمان دچار تغییر می‌شود.

در نهایت مقادیر F و χ^2 برای آزمون همزمان اثرات ثابت مقطعی و زمانی، رد فرضیه صفر را تأیید می‌شود؛ لذا اثرات ثابت هم در بین مقاطع (کشورها) و هم برای هر کشور در طول زمان وجود دارد. نتایج آزمون هاسمن در کشورهای اسلامی و غیراسلامی نیز اثرات تأییدکننده تخمین مدل به روش اثرات ثابت است.

جدول ۳. نتایج آزمون چاو و هاسمن

کشورها	اسلامی		غیراسلامی	
	آماره	احتمال	آماره	احتمال
F& Chi-square Test				
Cross-section F	۴۵۶,۸۸۶۶۹۱	۰,۰۰۰۰	۱۶۵,۹۷۸۰۲۵	۰,۰۰۰۰
Cross-section Chi-square	۹۵۴,۷۶۵۲۴۸	۰,۰۰۰۰	۶۹۴,۸۱۱۰۱۵	۰,۰۰۰۰
Period F	۱۰,۰۳۶۱۱۱	۰,۰۰۰۰	۳,۹۴۸۱۹۱	۰,۰۰۰۰
Period Chi-square	۱۲۷,۴۱۱۴۹۵	۰,۰۰۰۰	۵۷,۴۷۶۳۲۸	۰,۰۰۰۰
Cross-Section/Period F	۲۵۴,۹۸۸۸۳۱	۰,۰۰۰۰	۹۴,۶۴۲۶۸۵	۰,۰۰۰۰
Cross-Section/Period Chi-square	۹۵۹,۳۶۹۰۵۷	۰,۰۰۰۰	۷۰۴,۵۵۸۸۸۵	۰,۰۰۰۰
Correlated Random Effects - Hausman Test				
Cross-section random	۳۷,۶۷۷۳۹۷	۰,۰۰۰۰	۲۹,۳۲۳۴۹۳	۰,۰۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۶. نتایج تخمین مدل

نتایج تخمین مدل اثر مخارج مصرفی بر رشد اقتصادی در دو گروه کشورهای اسلامی و غیراسلامی در جدول (۴) نشان داده شده است. بر این اساس تمامی متغیرهای مورد بررسی بر رشد اقتصادی تأثیر گذار هستند.

جدول ۴. نتایج تخمین مدل

کشورهای غیر اسلامی		کشورهای اسلامی		متغیرها
احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	
۰,۰۰۰۰	۰,۶۵۰۳۸۱	۰,۰۰۰۰	۰,۷۲۹۶۸۱	LOG(C)
۰,۰۰۰۰	۰,۱۴۹۷۱۹	۰,۰۰۳۵	-۰,۰۷۳۶۰۸	LOG(X)
۰,۰۷۱۴	۰,۰۶۶۶۵۸	۰,۰۰۰۹	-۰,۰۴۱۵۴۲	LOG(HU)
۰,۰۰۰۰	۰,۰۹۷۵۱۶	۰,۰۱۱۷	۰,۰۶۵۷۶۸	LOG(K)
۰,۰۱۳۶	۰,۰۰۳۶۲۲	۰,۰۰۳۹	۰,۰۰۵۸۵۰	LOG(TT)
۰,۹۹		۰,۹۹		R^2
۲۷۰		۲۷۰		تعداد مشاهدات

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج تخمین مدل خالص صادرات اثر منفی بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی دارد که یکی از علل آن می‌تواند تخصص‌گرایی بین‌المللی^۱ در این کشورها باشد. تخصص‌گرایی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه منجر به وابستگی شدید اقتصاد آن کشور به درآمدهای صادراتی شده، اما به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن قیمت کالاهای صادراتی، در صورت نوسان شدید قیمت، بی‌ثباتی در درآمدهای صادراتی ایجاد شده و این امر اثر منفی بر کل اقتصاد بر جای خواهد گذاشت. به عبارت دیگر در کشورهای در حال توسعه صادرات به عنوان یک نهاد تولیدی (مواد اولیه و واسطه‌ای) رفتار نموده و به لحاظ اینکه در اغلب کشورها سهم عظیمی از واردات آنان را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهد، که به عنوان نهاد تولیدی استفاده می‌شود و منابع تأمین مالی این نوع از واردات از محل درآمدهای صادراتی تأمین می‌شود، لذا بی‌ثباتی در درآمدهای صادراتی به اختلال در واردات این نوع از نهادهای تولیدی منجر شده و به تبع آن رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (فدر^۲، ۱۹۸۳).

1. International Specialization
2. Feder

این اثر برای کشورهای غیراسلامی مثبت بوده یعنی با افزایش صادرات رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. توسعه صادرات امکان استفاده از امکانات جهانی برای رشد تولیدات داخلی را مهیا کرده و از این طریق از محدودیت‌های بازار داخلی رهایی یافته و با توسعه مقیاس تولید به منظور صادرات بیشتر به بازارهای خارجی، زمینه رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد.

اثر مخارج مصرفی بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی و غیراسلامی مثبت بوده است، لیکن اثر گذاری آن در کشورهای اسلامی بیشتر است. در کشورهای غیراسلامی افزایش مصرف موجب افزایش تقاضا، اشتغال و تولید شده و در نهایت رشد اقتصادی را افزایش داده است. اما در کشورهای اسلامی به دلیل پرداخت سیاست مالی زکات، میزان مصرف افزایش یافته و با افزایش مصرف، تقاضا برای کالا و خدمات بیشتر افزایش می‌یابد. این افزایش در تقاضا انگیزه سرمایه‌گذاران را برای تولید بیشتر افزایش داده و در نهایت منجر به افزایش اشتغال و تولید در سطح جامعه می‌شود. همچنین در بلندمدت با بهبود وضعیت معاش زکات‌گیرندگان، خانواده‌های گیرنده زکات به پرداخت‌کننده زکات تبدیل شده و با توزیع مجدد درآمد در جامعه رشد اقتصادی بهبود می‌یابد. بنابراین می‌توان این‌گونه بیان کرد که بخشی از اثر افزایش رشد اقتصادی ناشی از افزایش مصرف در کشورهای اسلامی می‌تواند در نتیجه پرداخت زکات و توزیع مجدد درآمد در این کشورها است.

شاخص رابطه مبادله در هر دو گروه از کشورهای اسلامی و غیراسلامی تأثیری مثبت بر رشد اقتصادی بر جای می‌گذارد. بدتر شدن رابطه مبادله با افزایش شکاف بین کشورهای فقیر و غنی و انتقال ثروت، موجب کاهش تراز پرداخت‌های کشورهای توسعه‌نیافته و در نتیجه، ناتوانی آن‌ها در تأمین منابع لازم برای سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود. گریمز^۱ بیان می‌کند بهبود رابطه مبادله بر درآمد تولیدکنندگان تأثیر می‌گذارد و در پی آن می‌تواند بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی اثر گذار باشد.

اثر مثبت تشکیل سرمایه ناخالص در کشورهای اسلامی می‌تواند ناشی از این باشد که افزایش سرمایه موجب کاهش بیکاری و افزایش عرضه و تقاضای کالاها را به دنبال خواهد داشت. با افزایش تقاضا منابع کسب‌شده توسط سرمایه‌گذاران افزایش خواهد یافت و این اثر بر روی دریافت‌کنندگان زکات مؤثر است، به گونه‌ای که خود به پرداخت‌کننده تبدیل خواهند شد. با تبدیل

1. Grimes, 2006

شدن دریافت کنندگان زکات به پرداخت کنندگان سطح استانداردهای زندگی در جامعه بهبود یافته و با توزیع مجدد درآمد رشد اقتصادی بهبود می‌یابد. به عبارت دیگر، با گردش وجوه زکات در جامعه فقر و بیکاری کاهش یافته و موجبات رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد.

همچنین در کشورهای غیراسلامی نیز این اثر مثبت بوده است. در واقع افزایش در حجم سرمایه‌گذاری می‌تواند منجر به افزایش بنیه اقتصادی و کاهش واردات، افزایش ذخایر ارزی و حرکت سریع‌تر به سوی پیشرفت اقتصادی شود.

ضریب نرخ ثبت نام مقطع متوسطه در کشورهای اسلامی منفی و در کشورهای غیراسلامی مثبت است. بدان معنا که با افزایش نرخ ثبت نام در مقطع متوسطه، میزان رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی کاهش و در کشورهای غیراسلامی افزایش می‌یابد. به طور کلی نرخ ثبت نام در مقطع متوسطه و به تبع آن تحصیلات، نوعی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی به شمار می‌آید و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی با بالا بردن سطح مهارت‌ها، تخصص نیروی کار و افزایش قابلیت‌های آنان می‌تواند کارایی استفاده از منابع مادی را بالا برده و باعث ارتقای کمی و کیفی تولید شود. لیکن این آموزش عمومی در صورتی باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود که بازده نهایی تحصیل برای خانوارهای فقیر با سطح تحصیلات کم، بیشتر از بازده نهایی تحصیل برای خانوارهای ثروتمند با سطح تحصیلات بالا باشد.^۱ چنین به نظر می‌رسد که در کشورهای اسلامی بازدهی تحصیل برای افراد فقیر پایین بوده و لذا اثر مساعدی بر رشد اقتصادی بر جای نمی‌گذارد. تأثیر منفی سرمایه‌انسانی (آموزش) بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی مطابق با پژوهش افضل و همکاران (۲۰۱۰) است.

۷. نتیجه‌گیری

زکات یکی از پنج رکن اساسی اسلام و مهم‌ترین ابزار جهت تحریک اقتصاد و دستیابی به توزیع عادلانه درآمد است. گردش پول از طریق زکات تقاضای کلی برای محصولات از قبیل غذا، لباس و ... را افزایش داده و افزایش تقاضا، گسترش فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال را در سطح جامعه افزایش می‌دهد. همچنین توزیع عادلانه درآمد که در نتیجه سیاست مالی زکات است، می‌تواند

1. Gradstein, M. and M, Justman and V, Meier. (2007)

موجب خروج اقتصاد از رکود تورمی شده و راه دستیابی به رشد اقتصادی را فراهم آورد (امجد و همکاران، ۲۰۱۰). با توجه به اهمیت نقش زکات بر رشد اقتصادی در پژوهش حاضر مقایسه ای میان دو گروه از کشورهای اسلامی و غیراسلامی جهت اثرگذاری زکات بر میزان مصرف و رشد اقتصادی صورت گیرد. ما نشان دادیم زکات اثر مثبت و فزاینده‌ای بر رشد اقتصادی از طریق افزایش مصرف در کشورهای اسلامی نسبت به کشورهای غیراسلامی داشته است و منبع مهمی برای بالا بردن سطح رفاه جامعه به شمار می‌آید. در این زمینه وجود سیستمی کارا و شفاف به‌منظور جمع‌آوری زکات ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- تاری، فتح‌الله؛ جعفری، سمیه (۱۳۹۳). «تأثیر خمس بر مصرف و سرمایه‌گذاری، رهیافتی از الگوی کالدور». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. سال چهاردهم. شماره ۵۵. صص ۱۵۶-۱۲۷.
- توسلی، محمد اسماعیل (۱۳۸۶). «زکات و اثر آن بر رشد و توسعه اقتصادی». دومین همایش مالیات‌های اسلامی. دانشگاه مفید قم.
- ثامن‌کیوانی، فرشاد (۱۳۷۷). «محاسبه ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- زمانی فر، حسین (۱۳۸۰). «ارزیابی توان فقرزدایی زکات در برخی از استان‌های منتخب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- کیا‌الحسینی، سیدضیاءالدین (۱۳۸۷). «نقش زکات فطره در فقرزدایی؛ مطالعه موردی: ایران ۱۳۸۵-۱۳۷۰». اقتصاد اسلامی. شماره ۱۳۳.
- عسگری، محمد مهدی (۱۳۸۴). تحلیل نظری زکات. تهران. دانشگاه امام صادق (ع).
- عسگری، حشمت‌الله؛ بادپا، بهروز (۱۳۹۳). «اثر زکات بر مصرف عمومی در ایران». فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی. سال ششم. شماره پیاپی ۱۲. صص ۱۱۲-۸۳.
- کیا‌الحسینی، سیدضیاءالدین (۱۳۸۲). «برآورد خمس ارباب مکاسب به‌عنوان یکی از منابع مالی اسلامی تأمین اجتماعی». فصلنامه تأمین اجتماعی. شماره ۹. صص ۲۴۸-۲۱۳.

- **گیلک حکیم آبادی، محمدتقی (۱۳۸۵)**. «بررسی توان زکات گندم و جو در کاهش فقر

مطالعه موردی استان گلستان». نامه مفید، شماره ۵۴. صص ۱۲۲-۱۰۱.

- **Amjad, R. Din, M. and Qayyum, A.** (2010). "Pakistan: Breaking out of stagflation into sustained growth". *MPRA Paper*, No. 33812.
- **Adel Sarea** (2012). "Zakat as a Benchmark to Evaluate Economic Growth: An Alternative Approach". *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 3, No. 18, Pp. 242-245.
- **Afzal, M. Farooq, s Muhammad, Ahamd, K Hafiz, Begum, I and Quddus, A** (2010). "Relationship Between School Education and Economic Growth In Pakistan: ARDL Bounds Testing Approach to Cointegration". *Pakistan Economic and Social Review*, vol. 48.
- **Al-Qardawi, Y.** (1999). "Fiqh Az-Zakat: A Comparative Study, Dar Al Taqwa", Ltd. London, UK.
- **Abdul, A, et al.** (1995). "Institutional Framework of Zakat: Dimensions and Implications", *Islamic Development Bank*, Jeddah, Saudia.
- **Akhmad Akbar Susanto**, (2002), "Zakat sebagai Pengurang Penghasilan Kena Pajak: Sebuah Tinjauan Makro Ekonomi", Simposium Nasional I Sistem Ekonomi Islam, P3EI, Yogyakarta
- **Ahmad, A.** (1987), "Income Determination in an Islamic Economy, King" Abdulaziz University Research in English Series, Jeddah, No. 25, pp.15-27.
- **Azam, M. Iqbal, N. & Tayyab, M.** (2014). "Zakat and Economic Development: Micro and Macro Level Evidence from Pakistan". *Bulletin of Business and Economics*, vol. 3(2), pp. 85-95.
- **Feder, G.** (1983), "On Exports and Economic Growth", *Journal of Development Economics*, Vol. 12 (1), pp. 59 -73
- **Faridi, F** (1997), "Zakah and Fiscal Policy"; in Economics of Zakah, Islamic Development Bank (IDB).
- **Gradstein, M. and M, Justman and V, Meier.** (2007). "The political economy of education: Implications for growth and inequality." *Economics of Education Review*. Vol. 26, pp. 263- 264
- **Grimes, A** (2006), "A Smooth Ride: Terms of Trade, Volatility and GDP Growth", *Journal of Asian Economics*, vol. 17.
- **Ibrahim, P.** (2007). "Peranan agihan zakat dalam meningkatkan tahap ekonomi ummah". Paper Presented in Konvensyen Zakat dan Cukai Peringkat Kebangsaan, Kuala Lumpur, Malaysia, 2007.
- **Keynes, J.M.** (1936). *The General Theory of Employment, Interest and Money*, Macmillan Cambridge University Press, New York.
- **Kahf, Monzer** (1998), "Zakah and Obligatory Expenditures in Islam - in: Lessons In Islamic Economics", *Islamic Research and Training Iostitution (IRTI)*, Islamic Development Bank (IDB), Jeddah: 1418 H/1998 G.

- **Khalifa, Al-Yousif, Yousif** (1997), "Export and Economic Growth", *Applied Economics*, No. 29, PP. 687-693.
- **Leicester.Shirazi, N. S.** (1994) "An Analysis of Pakistan Poverty Problem and its Alleviation Through Infaq", Islamabad, Pakistan.
- **Metwally, M. M.** (1995), *Teori dan Model Ekonomi Islam*. Edisi Pertama, PT. Bangkit Daya Insana, Jakarta
- **Qardhawi, yusuf** (2009), *Fiqh Al Zakat* (Vol.1), Translated by M.D Khaf, Jeddah, Saudi Arabia: Scientific Publishing Center
- **Saïda Daly, and Mohamed Frikha**, (2015) "Islamic Finance A Support to Development and Economic Growth: the Principle of Zakat as an Example", *Journal of Behavioural Economics, Finance, Entrepreneurship, Accounting and Transport*, vol. 3, no. 1.
- **Siddiqi, M. N.** (1988), "Muslim Economic Thinking: A Survey of Contemporary Literatur"e, The Islamic Foundation
- **Zubair, H.** (2002), "Comments on Poverty Elimination in an Islamic perspective: an applied general equilibrium approach"; in MunawarIqbal (Ed); *Islamic Economic Institutions and the Elimination of Poverty*, The Islamic Foundation, Leicester.